هدف، حوزه درآمد ارزی است

خسروی، سروش

عبده تبریزی، حسین

از این شماره در نظر داریم به فراخور موضوع صفحاتی را در اختیار همکاران مطبوعاتی قرار دهیم و در اولین گام به سراغ دکتر عبده تبریزی صاحب امتیاز روزنامخ سرمایه رفتیم. گفت و گو با حسین عبده تبریزی درباره پیامدهای احتمالی تحریم ایران‏ هدف،حوزه درآمد ارزی است

سروش خسروی‏ حسین عبده تبریزی یا آن طور که او را می‏شناسیم: "دکتر عبده‏"کارشناس ارشد مالی است.او این فرصت‏ را داشته که تئوری‏های آموخته را در عرصه عمل هم‏ بیازماید.مدیر عامل سابق بورس در میانه دهه 70 خورشیدی یکی از بزرگترین شرکت‏های انبوه ساز بخش خصوصی را پایه‏گذاری کرد.در آغاز دهه 80 نقشی موثر در تاسیس نخستین بانک خصوصی در دوران پس از انقلاب ایفا کرد.عبده تبریزی از خرداد 82 به ساختمان 19 طبقه خیابان حافظ رفت و سکان هدایت‏ بازار سرمایه ایران را در دست گرفت.او اکنون و پس از واگذاری مسئولیت در بورس،انتشار یک‏ روزنامه اقتصادی را بر عهده گرفته،ضمن این‏ که در ماه‏های اخیر به عنوان دبیر کل موسسه‏ توسعه صنعت سرمایه‏گذاری(سندیکای‏ شرکت‏های سرمایه‏گذاری ایران)فعالیت‏های‏ جدیدی را آغاز کرده است.عبده تبریزی در عین‏ حال عضو هیات مدیره چندین شرکت بزرگ‏ فعال در بورس و خارج بورس است.با او در اینجا فارغ از همه مسئولیت‏هایش و به عنوان،استاد علم‏ مباحث مالی و سرمایه‏گذاری( Finance )درباره‏ فرضیه تحریم صحبت کرده‏ایم.

مدلی که در این گفت و گو ارائه شده،کاملا فرضی است و تلاش شده به کمک آن به‏ آسیب‏شناسی اقتصاد بازار سرمایه ایران،در مقطع حساس فعلی پرداخته شود.

همان طور که مطلعید،شورای امنیت قطعنامه‏ای‏ علیه ایران تصویب کرد و بر اساس آن قرار است‏ تحریم‏هایی علیه کشورمان اعمال شود.این‏ موضوع به عنوان یک واقعیت پیش روی اقتصاد ایران‏ قرار گرفته است،اگر فرض کنیم ایران در نهایت وارد فاز تحریم شود،در این صورت شما فضای سرمایه‏گذاری‏ در کشور را چگونه تحلیل و ارزیابی می‏کنید؟

من هم در ابتدا مثل هر ایرانی امیدوارم فرض تحریم هرگز محقق نشود.چون مسائل و منافع ملی،فراتر از اختلاف نظرهای فکری و گروه‏بندی‏های سیاسی است. در عین حال مطمئن هم هستیم عقلانیت بر نظام سیاسی‏ کشور حاکم است،به همین دلیل و با توجه به شرایط جهانی وقوع چنین امکانی را بعید می‏دانم.احساس خود من این است که چنین هرگز اتفاق نخواهد افتاد.

ولی اگر فرض پرسش مطرح شده را بپذیریم و ایران‏ در شرایط تحریم قرار گیرد،فضای سرمایه‏گذاری در کشور بسته‏تر می‏شود و گرایش به سرمایه‏گذاری در خارج و فضای رغبت سرمایه‏گذاران ایرانیان در خارج‏ مرزها افزایش خواهد یافت.

آیا در آن صورت انتقال سرمایه‏های ایرانیان نیز دچار محدودیت‏هایی خواهد شد؟

بله،قطعا.نهایتا باید توجه داشت که مفاد تحریم‏های‏ احتمالی تاثیر به سزایی در شکل‏گیری این فضای‏ فرضی خواهد داشت.

در این فضای فرضی که اشاره می‏کنید،مهم‏ترین‏ حوزه تحدید در کجا شکل خواهد گرفت؟

شاید در جریان ارز،البته اگر تحریم متوجه‏ جریان ارز شود،همچنین در امکان تسویه و پایاپای ایران.در مورد یورو هم ممکن است با محدودیت‏هایی-هم چون شرایط فعلی تسویه‏ دلار-روبه‏رو شویم.به فرض این که دولت ایران‏ هنوز پول کافی در اختیار داشته باشد و ایران برای‏ تسویه یورو در سطح دنیا با محدودیت مواجه‏ شود،باید به انتظار فعال شدن مجموعه‏ای از عملیات در اقتصاد غیر رسمی باشیم.

اینها همه به فرض ادامه یافتن جریان فروش‏ نفت مطرح می‏شود،درست است؟

دقیقا اگر جریان نفت ادامه یابد و به تبع آن‏ جریان ورود دلار یا یورو به داخل کشور تداوم اگر معاملات ارزی مختل شود،ما در یک‏ کوچه بن‏بست قرار می‏گیریم و ارتباطمان‏ با اقصاد دنیا محدود می‏شود

یابد.اما اگر جریان تسویه دلار یا یورو با محدودیت‏ روبه‏رو شود،به اجبار بخش عمده‏ای از دلار یا یورو در داخل کشور توزیع می‏شود و در نهایت ارزهای در اختیار باید از کانال‏های غیر رسمی به خارج منتقل شود.

البته هم اکنون هم در برخی حوزه‏ها با چنین مشکلات‏ و دشواری‏هایی روبه‏رو هستیم.

بله،اوضاع خیلی شبیه،شرایط کنونی خرید هواپیما می‏شود.واردات هم به سمت واردات به روش‏ پیله‏وری یا شکل‏های مشابه آن حرکت می‏کند.در واقع‏ واردات با حجم اندک و از کانال‏های غیر رسمی رواج‏ می‏یابد.

مبنای این اتفاق چیست؟

چون جریان مبادلات به سمت و سوی مبادلات نقد و شبه نقد حرکت می‏کند،هزینه‏های بسیار زیادی به‏ خاطر همین ضربه‏های جزیی بر کشور تحمیل می‏شود. ضمن اینکه هزینه گشایش اعتبارات اسنادی( LC )نیز افزایش می‏یابد.مثل دهه 60 گشایش اعتبارات اسنادی( LC ) به دوبی منتقل می‏شود و امارات نقش مهم‏تری را در نظام‏ بانکی و نظام واردات کالای ایران عهده‏دار می‏شود.در نتیجه معاملات قاچاق رونق می‏گیرد.

در واقع منظورتان این است که جریان‏های رسمی در فضای اقتصاد با احتلال مواجه خواهند شد؟

جریان رسمی انتقال ارز و واردات،که اکنون اقتصاد ایران بر آن متکی است،به یک جریان‏"دو طرف مرزی‏"، تبدیل می‏شود و فعالیت‏های پیله‏وری رونق می‏گیرد. این اوضاع خیلی شبیه زمانی است که محدودیت‏هایی‏ را در مقاطعی بر عراق یا لیبی حاکم کردند.

یعنی منشاء همه مسائل طبق بحث اولیه شما اعمال‏ محدودیت‏های ارزی خواهد بود.حالا،در خود حوزه‏ بازار ارز چه اتفاقاتی پیش‏بینی است؟

اگر جریان دریافت ارز توسط دولت با محدودیت‏ مواجه شود،یا دلارهای دولتی‏"فریز"شود،یعنی امکان‏ نقل و انتقال دلار یا یورو از دولت سلب شود،در آن‏ هنگام با افزایش شدید قیمت دلار یورو در داخل مواجه‏ می‏شویم.توجه داشته باشید که در بخش مسکن که‏ عرضه کنندگان آن بسیار زیاد هستند:با کوچک‏ترین‏ تمرکز نقدینگی و هجوم سرمایه‏ها،رشدهای سریع‏ قیمت را تجربه می‏کنیم.حال در بازار ارز با محدودیت‏های خاص آن،طبیعی است که با شوک به‏ مراتب شدیدتری مواجه شویم.

چرا جریان ارز و تسویه ارز را تا این حد در موضوع‏ تحریم موثر می‏دانید؟

یک بخشی از آن بر می‏گردد به این که به هر حال کشور ما متکی به نفت و درآمدهای نفتی است.بنابراین اگر معاملات ارزی مختل شود،ما در یک کوچه بن‏بست‏ قرار می‏گیریم و ارتباطمان با اقتصاد دنیا محدود می‏وشد و دروازه‏های تجارت با جهان به روزنه‏ای‏ کوچک تبدیل می‏وشدء.بنابراین تمام آثار و تبعات این‏ موضوع دامن‏گیر اقتصاد ایران خواهد شد.از آن جمله‏ می‏توان به خرید دست چندم کالاهای مورد نیاز،فروش‏ واسطه‏ای کالاهای صادراتی،تسویه‏های ارزی‏ غیر مستقیم،پرداخت بیمه‏های وارداتی و صادراتی‏ گزاف،پرداخت "دموراژ"و تبدیل تجارت مستقیم به‏ غیر مستقیم اشاره کرد.

در واقع جریان تجارت بر عکس خواهد شد و تجارت‏ ما در عراق و افغانستان و امارات متمرکز می‏شود.یعنی‏ کالاهای مورد نیاز ایران از این کشورها وارد خواهد شد. در نتیجه برخی روش‏های به کار گرفته شده در دوران‏ جنگ دوباره به ناچار تکرار خواهند شد.

بحث ذرباره جریانات محتمل در بازار ارز نا تمام ماند.

بر مبنای فرض اول بحث،دلار در شرایط تحریم با یک‏ جهش قیمت بزرگ روبه‏رو می‏شود و در نتیجه دلار به‏ وسیله پس انداز تبدیل می‏شود.

پیش زمینه وقوع چنین رویدادی چیست؟

اگر دولت نتواند دلار یا یورو عرضه کند،طبیعتا در شرایط کاهش عرضه،رشد قیمت ارزهای خارجی امری‏ محتمل است.

نظرتان در مورد طلا چیست؟

به نظر من خود دلار وسیله پس انداز می‏شود،البته‏ می‏پذیرم که در کشور ما طلا.ارز بستگی خاصی به همن‏ دارند.

قاعدتا در این شرایط قیمت کالاهای وارداتی هم از رشد احتمالی قیمت ارز تاثیر خواهند پذیرفت.

بله،بر خلاف بازار مسکن که به شرایط بازار ارز وابسته‏ نیست،اجناس وارداتی،که با قیمت ارز ارتباط دارند،با جهش قیمت‏های جدی مواجه خواهند شد.

بورس چطور؟

در این بازار،گرایش به سمت صنایعی که از این بحث‏ها مستقل هستند،افزایش می‏یابد.

البته این حرکت اکنون تا حدی آغاز شده و قابل‏ شناسایی است،مثلا در مورد سهام شرکت‏های دارو سازی.

درست است،حتی شاید یکی از دلایل افزایش توجه به‏ سهام بانک‏ها،این است که به هر حال در شرایطی فرضی‏ تحریم،نظام بانکی به حرکت بطئی خود ادامه خواهد داد.

ضمن این که به هر حال اتکا برای تامین منابع به سمت‏ بانک‏های داخلی حرکت خواهد کرد،البته از منظر آسیب‏شناسی،نرخ بهره بانک‏های داخلی نسبت به بانک‏های‏ خارجی بسیار بالاتر است،در نتیجه هزینه تامین مالی، شرکت‏های صنعتی هم افزایش می‏یابد؟این طور نیست؟

به هر حال بانک‏ها در آن شرایط کمتر آسیب‏ می‏بینند،چون فعالیت‏شان در معرض نرخ ارز نیست و اتفاقا رشد نرخ ارز گرایش به بانک‏ها و داشتن حساب بانکی را افزایش می‏دهد.بنابراین‏ سهام بانک‏ها در آن شرایط مفروض جذابیت‏های‏ خاص خود را خواهد داشت.

بخش ساخت و ساز و ساختمان چطور؟

اگر ارز وسیله پس انداز شود،مشتریان سرمایه‏گذاری از بخش مسکن خارج خواهند شد.بنابراین در کوتاه مدت‏ قیمت برخی ساختمان‏های گران قیمت،که به وسیله‏ پس انداز تبدیل شده بودند،کاهش می‏یابد.البته توجه داشته‏ باشید منظور من دقیقا"مسکن‏های گران قیمت‏"است، چون مسکن ارزان قیمت هیچ گاه وسیله پس انداز نیست. به همین دلیل پیش‏بینی می‏شود در کوتاه مدت‏ شرکت‏های ساختمانی با مشکلاتی روبه‏رو شوند،اما در میان مدت با توجه به استقلال بخش مسکن از حوزه‏ نوسان ارز،این بخش نیز می‏تواند سر پا بایستد.

به فرض این که دولت ایران‏ هنوز پول کافی در اختیار داشته باشد و ایران برای‏ تسویه یورو در سطح دنیا با محدودیت مواجه شود، باید به انتظار فعال شدن‏ مجموعه‏ای از عملیات در اقتصاد غیر رسمی باشیم

بر پایه همان فرض اولیه تحریم،آیا نگاه به اقتصاد درون‏زا می‏شود؟

بله و در شرایط کل مباحث و تحلیل‏هایی که‏ پایه انجام می‏شود،معلق می‏ماند؟

بله،ضمن اینکه حوزه‏های رقابتی که بر پایه این مفاهیم‏ شکل گرفته هم از بین می‏رود و صنایع حمایتی رشد می‏کنند.در این شرایط از سرمایه‏گذاری‏های‏ کوتاه مدت‏تر بیشتر استقبال می‏شود و دلالی بهتر پا می‏گیرد.

انگیزه‏های موجود برای دلالی‏های کوتاه مدت‏ می‏تواند جذب بازار سهام شود؟

البته ممکن جذب بخشی از بورس شود.به‏ عنوان مثال عده‏ای از جذابیت سهام معادن،به خاطر صدور محصولات این بخش،استقبال می‏کنند،اما وقتی صادرات با مشکل روبه‏رو شود این‏ جذابیت‏ها از بین می‏رود.البته فضاهای دیگری‏ ممکن است شکل بگیرد،زیرا تعدادی از کشورهای همجوار ایران از شرایط پایداری‏ برخوردار نیستند.بنابراین برخی صنایع می‏توانند از این وضع برای برقراری تجارت غیر رسمی و شناسایی سود،استفاده مطلوب را ببرند.

در یک نمای عمومی بورس از این وضع سود می‏برد یا زیان می‏کند؟

بعید است بازار سرمایه به طور کلی از این جریان‏ بهره‏مند شود.البته،بخش‏هایی هم هستند که کمتر آسیب می‏بینند.

همان طور که قبلا هم اشاره کردم ترسیم یک مدل برای‏ این جریان نیازمند،اطلاع از مفاد تحریم‏های مفروض‏ است.

در واقع ارائه یک تحلیل درست از ماجرا فقط در چارچوب مباحث‏"اقتصاد سیاسی‏"امکان پذیر است.

یکی از دلایلی که قیمت دلار،از قبل انقلاب،از جمله‏ مسائلی بوده که همواره در چارچوب اقتصاد سیاسی، برای آن تصمیم‏گیری می‏شده،این بود که قیمت دلار بر کل سطح قیمت‏ها تاثیر مسقیم می‏گذارد.بنابراین‏ در شرایط تحریم و افزایش قیمت دلار،تورم حتی‏ می‏تواند در بخش‏هایی که ارتباط مسقیم با ارز ندارد، خود را نشان دهد.

قاعدتا این ممکن است به نفع برخی‏ تولید کنندگان تمام شود.این طور است؟

نه لزوما.می‏توان گفت شرایط احتمالا خیلی به اوضاع‏ اقتصاد و سرمایه‏گذاری در دهه 60 نزدیک می‏شود.از این نظر رشد اقتصادی بسیار کند می‏شود.

سرنوشت جریان خصوصی سازی چه می‏شود؟

حتی در یک شرایط عادی نمی‏توان خیلی به جریان‏ خصوصی سازی در ایران امیدوار بود چه رسد به شرایط تحریم.

در شرایط کنونی ظاهرا کمی اوضاع تفاوت دارد،زیرا دولت به شدت به پول نیاز دارد و شاهد این مدعا را نیز می‏توان در متمم‏های چندگانه بودجه 85 یافت،این‏ موضوع خود می‏تواند انگیزه‏ای برای خصوصی سازی در دولت باشد.

درست می‏گویید،یک ششم متمم بودجه اخیر،باید از طریق فروش دارایی‏های دولت تامین شود.در واقع‏ دوباره اقتصاد ایران در لوپ‏"خصوصی سازی‏در خدمت بودجه‏"افتاده است.

با یک چنین ارزیابی،پیش‏بینی‏تان از آینده‏ خصوصی سازی چیست؟

پیش‏بینی‏اش سخت است.چون مثلا من نمی‏دانم‏ دولت چقدر به مالکیت خصوصی سازی به مفهوم دقیق‏ کلمه معتقد است.

به هر حال همان طور که گفتید حتی اگر دولت به‏ خصوصی سازی معتقد نباشد،اما به پولش نیاز دارد.

الان جهت دولت بیشتر تامین منابع از بانک‏های‏ دولتی است و حتی در مواردی به بانک‏ها در این مورد اعتراض کرده است.

فکر می‏کنید با توجه به بسته شدن فضای اقتصاد در شرایط تحریم،عرضه‏های اولیه سهام دولتی در بورس‏ ( IPO )با استقبال سرمایه‏گذاران روبه‏رو شود؟چون دولت‏ بر مبنای نیاز به پول بیشتر احتمالا از سهام قابل عرضه‏ در بورس حمایت لازم را خواهد کرد.

بله!البته آن هم نیازمند طراحی یک سیستم مناسب و عقلانیتی در هدایت ماجراست.

در واقع معتقدید به هر حال در این جریان هم نقش‏ دولت پر رنگ می‏شود؟

به هر حال فضای اقتصاد در شرایط تحریم کنترلی‏تر از قبل می‏شود.در این فضا کسانی که به اطلاعات و ارتباطات بیشتری مجهز هستند بیشتر سود می‏کنند و هر کسی رانت بیشتری دارد،برنده است.

در این شرایط رانتی آیا باز هم امکان دو نرخی شدن‏ ارز فراهم می‏شود؟

بله،احتمالش وجود دارد.ولی باز این موضوع هم به‏ نوع تحریم‏ها بستگی دارد.

آقای دکتر،در طول این گفت و گو شما تاکیدی جدی‏ بر نقش و تاثیر جریان ارز در تحولات پس از تحریم، در اقتصاد ایران داشتید،به این ترتیب مهم‏ترین اثر تحریم در حوزه پولی خواهد بود؟

به هر حال ارز وسیله ارتباط ما با اقتصاد جهان است.

ارز وسیله مبادله است.یعنی شما برای تجارت و کار اقتصادی به هر جای دنیا مراجعه کنید یک سر کارتان به‏ ارز متصل می‏شود،به همین دلیل فکر می‏کنم بدترین‏ اثر تحریم در حوزه ارز رخ دهد.یا به بیان دیگر،این که‏ ما نتوانیم مبادلات ارزی‏مان را به راحتی انجام دهیم، بدترین نوع تحریم است.

ضمن این که می‏توان گفت،هدف تحریم نفتی احتمالی، تاثیرگذاری بر همین حوزه درآمد ارزی است.

بله دقیقا،ضمن این که توجه داشته باشید،قیمت دلار در 15 سال گذشته حفظ شده،یعنی 15 سال تورم پشت‏ قیمت دلار خوابیده است.اگر به هر دلیلی عرضه دلار کاهش یابد،قیمت آن به شکل عجیبی افزایش می‏یابد. البته در این میان ممکن است بخشی از صادر کنندگان‏ خیلی خوشحال شوند،ولی اصلا فضایی برای کسب و کار مناسب باقی نخواهد ماند.